

## مقاله وارده

محمد علی شهشیری میلانی

# باز هم در پیرامون تغییر خط .

ازچندی پیش نغمه تغییر خط فارسی بگوش میرسد ومقالاتی هم از موافق ومخالف در روزنامه ها ونشریات بیچشم میخورد ، باینکه درباره زیانهای دینی وملی این عمل هم از طرف مراجع صلاحیتدار روحانی وهم از طرف مسئولین فرهنگ جوابهای مستدل بآن داده شده است ، ولی بازمقالاتی دیده میشود که هر فرد ایرانی را که باین آب و خاک مقدس وزبان و کتب آن علاقمند باشد باظهار نظر و ابراز حقایق تحریض مینماید . در اینجا ذکر چند موضوع لازم بنظر میرسد :

۱ - در نوشته های آندسته از کسانی که اصرار نابجا برای تغییر خط دارند آنچه بیشتر از هر چیز دیگر جلب توجه میکند آنست که وانمود میکنند « یاد گرفتن قواعد املایی خط کنونی دشوار میباشد واگر تغییر خط عملی شود موضوع بیسوادی از بین خواهد رفت و چنین وچنان خواهد شد » !

در حالی که بر کسی پوشیده نیست که زبان فارسی برای بیان الفاظ و صداهای مختلف خود دارای رموز و علاماتی است که هیچ خط دیگر نمیتواند علامتهای مزبور را نشان دهد مگر اینکه بنشینند و برای تعلیم آن خط هم قواعدی تنظیم کنند در حالی که تدوین قاعده و ازدیاد زحمت نو آموز خلاف عقیده وعین نقض غرض آنها میباشد . یعنی خط لاتینی و هر خط انتهای دیگر که برای بیان « کسره » علامتی و برای « ضمه » علامتی دیگر وهمچنین برای « فتحه » علامتی و برای آ ( الف ممدود ) و دهها نظایر اینها علامات وقواعدی جدا گانه داشته باشد نمیتواند ادعای سهل وسادگی کند وبگوید بمجرد آموختن شکل حروف لاتین خواندن و نوشتن ، امکان پذیر خواهد بود . بلکه بطوریکه اشاره شد باز در خط مذکور هم برای اطفال دبستان و هر نو آموز دیگر همواره اشکال کار و قواعد املایی بی شمار از در و دیوار خواهد ریخت و ذهن وخاطر آنها را خسته و فرسوده خواهد ساخت .

پس اگر بجای اقدام بتغییر خط که «یگانه وسیله ارتباط اخلاف با اسلاف» میباشد درانتخاب آموزگار دقت شود و آموزگار هم از روی علاقه و اخذ تجارب عملی وارد کار گردد، دشواری آموزش هم که برای عده ای دیر فهم موجود باشد بکلی از بین خواهد رفت بطوریکه نگارنده در آن سالهایی که در کلاس اول ابتدائی تدریس میکردم در زمان کوتاه و زحمت کمتر میتوانستم الفبا را یاد دهم و حالاً نیز حاضر م در کلاسی که چهل نفر دانش آموز داشته باشد خواندن و نوشتن را در مدتی که حداکثر از چهار ماه تجاوز نمیکند باطفال خردسال تعلیم نمایم.

پس درین صورت طبق آن ضرب المثل مشهور که میگوید «مرو بپند برو با خدای خویش بساز» بهر کجا که روی آسمان همین رنگ است باید در تحکیم مبانی علمی و تجربی معلم کوشید نه تغییر خط و از بین بردن آثار گرانبهای خطی و چاپی زبان ماکه برای آنها آنهمه زحمات طاقت فرسا کشیده شده است.



۲ - بعلاوه صرف نظر از اینکه تغییر خط در بهبود وضع تعلیم زبان مفید و مؤثر نخواهد بود؛ اشکالات متعدد دیگر برآبیار خواهد آورد که موجب گسیختن رشته اتحاد ملی و منذهبی ما خواهد گردید، شاید در این مورد چنانکه گفته اند سؤالی پیش بیاید که از تعویض خط چه زبانی متوجه جامعه ما میگردد؟ باینکه جواب آن بر هر فرد منصفی آشکار است باز برای رفع گفتگو مبادرت بذکر مثالی مینماید: *تاریخ و طوایف مردمی*  
جامعه ایرانی بخلاف مللی که عظمت و قدمت تاریخی ندارند در طول هزارها سال تاریخ حیات پر افتخار و سوابق درخشان تمدن خود بد داشتن متفکرین و نویسندگان و شعرای بزرگی ممتاز میباشد که آثار آنها اعم از قدیم و معاصر در این یکی دو قرن اخیر که چاپ متداول شده است بتدریج، ولی بازحمت هر چه تمامتر، طبع و نشر گردیده در اختیار همگان گذاشته شده است که بالنتیجه فارسی زبانان عالم از حیث کتب بشماریکه در تمام کتابخانه ها و قراوتخانه ها دارند میتوانند انواع درسهای تربیتی و علمی را از آنها که غالباً نسخه اصلی آنها بخط زیبای فارسی است بدست آورند و بموقع عمل بگذارند.

همچنین میتوانند وضع تمدن بشر و علل و اسباب ترقی یا تنزل ملل مختلفه عالم را از روی صفحات تواریخ موجود خود درک کنند. و بالاخره با خط فعلی توانائی دارند که طرز انتخاب دوست و طریق معاشرت و نحوه معالجه امراض روحی و جسمی را از آثار گذشتگان تحصیل نموده بکار بندند در صورتی که اگر خط تغییر یابد، فارسی زبانان دنیا عملاً برای

چندین قرن یا برای همیشه از امتیاز دارا بودن کتب علمی و ادبی و اخلاقی بی بهره و فقیر خواهند شد .

بہتر است برای توضیح مطلب و ملاحظه دور نمای وحشت انگیز تغییر خط که مضرات آن بس مهم و طاقت فرسا میباشد موضوع را عملی شده فرض کنیم و بہمراہ وجدان و عقل سالم وارد دبستانها و دبیرستانهای چند سال بعد گردیم و میزان سواد درسی دانش آموزان را مورد بررسی قرار دهیم .

مسلماً دانش آموزان کلاسهای متوسطه کہ هنوز با رسم الخط قدیم آشنائی دارند میتوانند در خارج از آموزشگاہ برای مد او تسکین آلام ظاهر و باطن خود با غوش کتابخانہ ہا پناہ برند و بوسیله کتب خواجہ نصیرہا و نظامی ہا و ابن سینا ہا کہ ہر یک نایبہ عصر خود بودہ اند با رجال مزبور محفل انس تشکیل دهند و بر ازو نیاز پردازند و دستور العمل زندگی مستقل و آسودہ ای را بدست آورند .

ولی دانش آموزان کوچکتر از آنها کہ فقط با خط لاتین آشنائی دارند از مہبت مزبوری نصیب مینباشند و آنها باید سالہا صبر کنند تا با صرف بودجہ دولت ، یا مملت کتب مزبور مجدداً بخط لاتین طبع و در اختیار آنان گذاشتہ شود (بفرض اینکہ چنین کاری بشود) در صورتی کہ بدیہی است در این دورہ متمادی فترت کہ کتب خط قدیم متروک بخط جدید چاپ نشدہ و نادر خواہد بود رومانہا و کتب گمراہ کنندہ دیگر کہ معمولاً طبع و نشر آنها خیلی سهل و سادہ میباشد جای کتب دینی و اخلاقی را بطرز عجیبی بر خواہد نمود کہ دیگر پس از چاپ شدن کتب مفیدہم کہ البتہ خیلی بیید بنظر میرسد توجہی بآنها نخواہد شد کہ گفتہ اند: «از دل برودہر آنچه از دیدہ برفت»!



۳ - گذشتہ از اینہا مفاسد بیشمار دیگر را نیز میتوان در تغییر خط پیش بینی کرد مثلاً طبق برنامہ دبیرستانہا کہ فعلاً نیز مورد اجرا میباشد جوانان ایرانی بجهات متعدد از جملہ برای آشنائی کامل بزبان خود کہ از سیزدہ قرن قبل با زبان عربی اختلاط و امتزاج داشتہ و کتابہا و رسالات و مقالہ نامہ های سیاسی آنان بہمان زبان تدوین شدہ است ، و همچنین برای حصول ارتباط با مملت عربی زبان کہ از جوامع مہم دنیا میباشد و بالاخرہ برای بصیرت کامل در دین مقدس اسلام کہ عبادات و ازکار یومیہ خود را بزبان عربی بیان میکنند از آموختن زبان عربی ناگزیر میباشد .

حال اگر بخواہند از زبان و کتب عربی اطلاعاتی کسب کنند ناچارند کہ رسم الخط

عربی را که خوشبختانه شبیه همان رسم الخط فارسی است یاد بگیرند و در آن تمام حروف متشابه را که مورد انتقاد موافقان تغییر خط میباشد از قبیل هاء «هوز» حاء «حطی» و غیره را رعایت کنند و گرنه از آموختن زبانی که از شکل حروف و دستورات آن فروگذاری شود نتیجه ای حاصل نمیکرد و آن کار باین میماند که یک کفر بخواهد یکی از زبانهای اروپایی را بدون آموختن شکل حروف و اصوات مرکبه و قواعد املائی آنها یاد بگیرد که حتماً نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد.

جالب توجه و جای تأسف اینجاست که دانشمندان غرب مثل «جان دیورت پورت انگلیسی» مؤلف کتاب «عذر تقصیر پیشگاه محمد و قرآن» و «گوته» شاعر و فیلسوف شهیر آلمان با وجود عدم ارتباط دینی با ملت عرب برای برخورداری از کلمات پرمغز شارع مقدس اسلام و اهل بیت گرامی او زبان عربی میآموزند ولی کسان مامیخواهند با نقشه های خود ابناء مسلمین را عملاً از فرا گرفتن زبان قرآن که تعلیم آن بجهت مزبور ضرورت تام دارد منع نمایند!



۴ - همچنین در برنامه کلاسهای چهارم ابتدائی بیالاتعلیم قرآن مجید منظور شده و جوانان موظف بقراءت آن میباشند حال اگر بگویند قرآن ها بهمان خط عربی خواهد بود در آنصورت باز تکلیف اطفال روشن است که باید از چهارم ابتدائی همان رسم الخطی را که بنظر بعضی ها دشوار است یاد بگیرند و در خواندن قرآن بکار بندند.

و اگر بخط لاتین قرآنی چاپ خواهد شد مسلم است که آنحروف معدود لاتین از ادای آنهمه الفاظ و اصوات متنوع عاجز خواهد بود. پس در اینجا اگر بخواهند حال اصوات و مخارج حروف را رعایت کنند واضح است که احتیاج بقواعد و ضوابطی خواهد بود که یاد گرفتن آنها مستلزم رنج و زحمت بیش از پیش خواهد شد. و اگر بخواهند بدون در نظر گرفتن مخارج حروف و ضوابط دیگر بخط لاتین قرآنی بنویسند مسلم است الفاظ آن قرآن غیر از قرآنی خواهد بود که بر پیغمبر اسلام (ص) نازل شده و بتأیید دست غیب ضامن سعادت ابدی بشر گردیده است:



۵ - باد نظر گرفتن مراتب فوق تعجب از کسانی است که میگویند اینکار ابدآبا

ملیت و مذهب ممانفات ندارد ، همچنین شگفت انگیز تر اینکه ادعا مینمایند اگر خط لاتین پذیرفته شود کار تعلیم زبان فارسی برای خودی و بیگانه آسانتر میشود و زحمت آموختن املاى صحیح فارسی بکلی از بین میرود ! بعضی از این مقالات هم قدم فراتر میگذارند و میگویند آموختن خط فارسی دشوارتر از زبانهای ملل مترقی بوده و این خود باعث عقب ماندگی ما گردیده است !!

در اینگونه موارد باید از این قبیل اشخاص پرسید آیا زبانهای اروپایی که خط و لغات آنها غالباً از همان زبان ایده آلی این افراد یعنی زبان لاتین گرفته شده است آموختن املاى آنها برای دانش آموز آسانتر میباشد یا املاى زبان فارسی با رسم الخط فعلی ؟ البته تا آنجا که اینجانب بزبانهای فرانسه و انگلیسی آشنایی دارد هیچگونه سهولتی در السنه مزبور مشاهده نمیشود و حتی تعلیم املا در زبان مزبور خیلی سخت تر از املاى فارسی میباشد و در اینجا برای نمونه دو کلمه ساده از زبانهای انگلیسی و فرانسه را (مثل «سین سرلی» بمعنی صادقانه و «سینور» بمعنی مالک و ارباب که هر یک از آنها مانند غالب کلمات آندو زبان در موقع دیکته نوشتن در بیشتر از چهار جا محل اشکال و خطا دارد و هر دانش آموز را دچار حیرت نموده سد بزرگی در سر راه موفقیت او از امتحان ایجاد مینماید ؛ شاهد آورده تحقیق و قضاوت را بمهده اهل فضل و اگذار و توفیق همه ایرانیان را در حفظ آثار ملی و مذهبی از درگاه احدیت خواستارم

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی